روش های گفتاری آشناسازی کودکان با سیره اهل بیت (علیهم السلام)

پدید آورنده : محمد احسانی ، صفحه 2

اشاره: روشن است که فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) خود از موضوعات مهم تعلیم و تربیت است که طبعا از روشهای اجرای آن هم بی نیاز نیست. تفاوت اساسی آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) و تعلیم و تربیت در این است که آشناسازی به صورت آموزش غیر رسمی اغلب در محیط خانه انجام می گیرد. از آنجا که مشکلی در استفاده از روشهای تعلیم و تربیت همانند تشویق، پرسش و پاسخ و داستان گویی در فرآیند آشناسازی وجود ندارد، به بررسی این روشها می پردازیم.

1. آشنا سازی با اسامی و القاب اهل بیت (علیهم السلام)

نخستین روش در فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام)، آشنا ساختن آنان با نامها و القاب ائمه اطهار (علیهم السلام) است. ذکر نام و توصیف القاب هر یک از حضرات معصومان (علیهم السلام) برای کودکان ضمن آشناسازی آنان با این اسامی مبارک و زیبا، آنها را با شخصیت انسان نیز آشنا می کند؛ زیرا نام و لقب ائمه اطهار (علیهم السلام) هر یک علت و فلسفه خاصی دارد که با شنیدن آن نام به ذهن تداعی می کند. نامها و لقب هایی که برای معصومان (علیهم السلام) وجود دارد، معمولاً از جانب خدا، رسول خدا و یا معصوم دیگر انتخاب شده اند. طبیعی است که چنین اسامی و القابی بار معنایی خاصی دارند. در احادیث و سیره معصومان (علیهم السلام) به علل انتخاب نام و لقب ائمه اطهار (علیهم السلام) فراوان اشاره شده است. مثلاً، درباره لقب امام علی (علیه السلام)، به «ابوتراب» که پیامبر به او لقب داده، آمده است: «لانه صاحب الارض و حجة الله علی اهلها بعد رسول اللّه و به بقاؤها والیه سکونها»؛ «چون بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) صاحب زمین و حجت خدا بر اهل آن است و بقا و نظام زمین به وسیله آن حضرت برقرار می باشد»، وی ابوتراب لقب گرفته است. هم چنین درباره نام گزاری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به «فاطمه» از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین نقل شده است: «انما سمیت ابنتی فاطمة، لان الله عزوجل فطمها و فطم من احبها من النار»؛ «همانا دخترم، فاطمه نام گزاری شده به خاطر آن که خداوند او و دوستانش را از آتش بریده است». تمامی اسامی و القاب امامان معصوم حاکی از معنا و مفهوم ویژه ای است که در شخصیت آنها تجلی یافته و بیانگر یکی از ویژگی های شخصیتی آنان است.

چه خوب است که مربیان و به خصوص والدین نام و القاب هر یک از ائمه اطهار (علیهم السلام) را با تبیین معنا و مفهوم آن به کودکان بیاموزند تا ضمن فراگیری اسامی اهل بیت (علیهم السلام) با شخصیت آنان هم آشنا شوند.

توصیف شخصیت اهل بیت (علیهم السلام) با ذکر اسامی و القاب ایشان در سیره و گفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فراوان است و احادیث متعددی از آن حضرت رسیده که به نوعی اهل بیتش را معرفی می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گاه همه ائمه اطهار (علیهم السلام) را به ترتیب با نام و مشخصات معرفی می کند و گاه برخی از آنان و یا فرد خاصی را با جملات و کلمات زیبایی که مناسب با شأن او است توصیف می نماید. آن حضرت فرمود: «... الائمة بعدی اثناعشر اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم، خلفایی و اوصیایی و اولیایی و حجج الله علی امتی بعدی المقربهم مؤمن و المنکر لهم کافر»؛ «امامان بعد از من دوازده نفرند که اول ایشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آخر آنها قائم می باشند آنان جانشینان و اوصیا و اولیای من هستند و حجتهای خدا بر امتند که هر کس آنها را پذیرفت مؤمن و هر که انکار کرد کافر است».

روش آشناسازی با اهل بیت (علیهم السلام) به شیوه توصیف اسامی و القاب و تعلیم آنها اختصاص به سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ندارد؛ بلکه در سیره و کلام سایر معصومان (علیهم السلام) نیز وجود دارد. با بررسی زندگی اهل بیت می توان به این نتیجه دست یافت که به طور کلی سیره امامان معصوم (علیهم السلام) این بوده که هر کدام در زمان حیات خویش امام بعد از خود را با تمام مشخصات به شیعیان معرفی می کرد و بدین طریق زمینه اختلاف نسبت به امام بعدی را از بین می برد.

2. آشناسازی با ویژگیهای اهل بیت (علیهم السلام)

منظور از ویژگیهای اهل بیت (علیهم السلام) در روش آشناسازی گفتاری، بیشتر بر شمردن خصوصیات خانوادگی، نژادی و محل زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

قبل از پرداختن به سیره توجه به این نکته تربیتی لازم است که توصیف ویژگیهای محیط و خانواده ای که فرد در آن زندگی می کند در شناخت شخصیت او بسیار مؤثر است؛ زیرا شخصیت انسان در حقیقت برآیند عواملی چون وراثت و محیط است که در قالب خانواده، ویژگیهایی فردی و محل زندگی نمود پیدا می کنند. آنچه فرد هنگام تولد از ناحیه والدین به همراه دارد که بیشتر به جنبه ظاهری و جسمی مربوط می شود، بخش وراثتی او را تشکیل می دهد و به صورت طبیعی رشد می کند. اما آنچه فرد پس از تولد از محیط، خانواده، مربیان و جامعه دریافت می دارد بخش دیگر شخصیت او را تشکیل داده و از آن به عامل محیطی تعبیر می شود. هر کدام از این دو عامل در شکل گیری شخصیت و معرفی فرد به دیگران نقش اساسی دارد.

با توجّه به این مطالب وقتی به سیره و احادیث معصومان (علیهم السلام) مراجعه شود، موارد متعددی وجود دارد که در معرفی اهل بیت به ویژگیهای خانوادگی و حسب و نسب ایشان اشاره شده است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «... یکون بعدی اثنا عشر خلیفة، کلهم من قریش»؛ «بعد از من دوازده خلیفه و امام هستند که همه ایشان از قریش می باشند.»

هم چنین در روایت دیگر از آن حضرت آمده است که فرمود: «... بعدی اثنا عشر خلیفه کلهم من بنی هاشم» پس از من دوازده جانشین هستند که تمامی ایشان از بنی هاشمند».

پیامبر اکرم؛ (صلی الله علیه و آله) در این احادیث با تکیه بر ویژگیهای قریش و هاشمی بودن اهل بیت و اینکه همه آنها از نژاد قریش و خاندان بنی هاشم هستند، ایشان را معرفی کرده است. از این کلام پیامبر به دست می آید که انتساب اهل بیت (علیهم السلام) به چهره های شاخصی چون قریش و هاشم که میان اعراب و مسلمانان صدر اسلام معروف بودند و همه آنها را می شناختند، قابل توجه است.

روش آشنا سازی و معرفی با بیان ویژگیهای شخصیتی و خانوادگی در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز مشاهده می شود که آنگاه در معرفی خود و گاه در معرفی امام دیگر از آن استفاده کرده اند؛ چنان که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا بدین طریق خود را به لشکر عمر سعد معرفی کرد و فرمود: آیا من فرزند دختر پیغمبر شما و فرزند وصی پیامبر نیستم؟ آیا حمزه سید شهدا عموی پدرم و جعفر طیار ذوالجناحین عموی من نیستند؟ به خدا سوگند از مشرق تا مغرب غیر از من کسی فرزند دختر پیامبر اسلام نیست و تنها من فرزند دختر پیغمبر شما هستم.

امام سجاد (علیه السلام) در مجلس یزید ضمن سخنرانی و خطبه ای که به درخواست اهل مجلس ایراد کرد برای شناسایی خود و اهل بیت پدرش سخنرانی نمود.

در فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) - چنان که در سیره معصومان (علیهم السلام) هم آمده - خوب است ویژگیهای فردی، خانوادگی و محیطی و گاه شرح کوتاهی از زندگی ایشان به کودک ارایه گردد. مثلاً، به کودکان تفهیم شود که محل زندگی و وطن اصلی ائمه اطهار (علیهم السلام) شهر مدینه بوده که جایگاه رسول خدا است و همه مسلمانان نسبت بدان اظهار علاقه می کنند. ضمنا مناسب است توصیف ساده ای از شهر مدینه و چگونگی استقرار مسلمانان در آن بیان گردد. ارایه این اطلاعات به کودکان همراه با تأکید بر اینکه اهل بیت (علیهم السلام) همگی فرزندان و از خانواده پیغمبر اسلام بوده اند، موجب می شود که آنها بهتر با ائمه آشنا شوند و این آشنایی در ذهن کودکان جا گیرد.

3. آشناسازی با فضایل اهل بیت (علیهم السلام)

فرایند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) - که خود از موضوعهای مهم تربیتی است - با روش بیان فضایل بهتر قابل اجراست؛ چون تبیین فضایل، معجزات، اخلاق و برجستگیهای زندگی اهل بیت (علیهم السلام) برای کودکان به زبان ساده و قابل درک، تأثیر فزاینده ای در میزان علاقه مندی و دوستی آنها نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) دارد. چنان که سیره معصومان (علیهم السلام) به خصوص سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در معرفی اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر بر اساس ذکر مناقب و بیان فضایل آنها بوده است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره مقام اهل بیت (علیهم السلام) در روایات متعددی فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکة الرحمة، الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحة الجنة»؛ «هر کس با محبت اهل بیت (علیهم السلام) بمیرد شهید از دنیا رفته است، آگاه باشید هر کس با محبت اهل بیت (علیهم السلام) از دنیا برود قبر او زیارتگاه فرشتگان رحمت می شود. آگاه باشید هر کس با عداوت و دشمنی اهل بیت (علیهم السلام) از دنیا برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد».

این گونه روایات در باب فضایل اهل بیت (علیهم السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سایر معصومان (علیهم السلام) خیلی زیاد و در منابع مختلف شیعه و سنی، ثبت و ضبط شده است.

4. آشناسازی با تشویق

یکی از روشهای مؤثر در تعلیم و تربیت روش تشویق فراگیر است که در جای خود بررسی شده و همواره مورد استفاده مربیان و معلمان قرار می گیرد. هر چند این روش، یک روش کلی در باب تعلیم و تربیت است، ولی در فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام)، می توان از آن کمک گرفت؛ زیرا ساختار عاطفی و روانی آدمی به گونه ای است که نیاز به تشویق و تحسین دارد. اگر در برابر کاری که انجام می دهد یا چیزی که فرا می گیرد مورد توجه و تشویق قرار گیرد، بدون تردید ادامه آن کار برایش خوشایند و لذت بخش جلوه می کند و در نتیجه آن را به راحتی ادامه می دهد.

این نیاز که از گرایش های فطری انسان است از دوران کودکی آشکار می شود و در سراسر زندگی وجود دارد. میل به ستایش و تشویق دیگران که از هنگام کودکی بروز پیدا می کند در پیشرفت و موفقیت فرد تأثیر فراوان دارد و این میل فطری باید پاسخ داده شود؛ از اینجاست که هر کودک یا بزرگسالی که در برابر موفقیت یا انجام کار نیکی مورد تشویق و تأیید اطرافیان قرار می گیرد بسیار مسرور و خوشحال دیده می شود.

خوب است در آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) از این روش استفاده شود، چنان که در قرآن کریم نیز فراوان به

کار رفته است. از این رو، لازم است که مربیان به خصوص والدین از این روش در فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) استفاده کنند. البته، تشویق را می توان به دو روش زبانی (مانند آفرین، بارک الله، احسنت ...) و عملی (مانند، هدیه دادن، خرید اسباب بازی، شیرینی...) انجام داد که هر کدام تأثیر خاص خود را دارد.

5. آشناسازی با پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ از روشهای بسیار مؤثر در تعلیم و تربیت است و می توان با استفاده از آن کودکان را با احکام و معارف الهی آشنا ساخت. همان گونه که امروزه در مدارس رایج است و آموزگاران پس از القای محتوای درس مرتب از دانش آموزان در زمینه مطالب ارایه شده می پرسند و جواب درست را می خواهند، در مورد آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) نیز می توان از شیوه پرسش و پاسخ بهره گرفت؛ بدین طریق که نخست باید با کودکان در مورد اهل بیت (علیهم السلام) سخن گفت و ویژگیهای آنان را با زبان ساده بیان داشت، سپس پرسش هایی را در این زمینه مطرح ساخت. مثلاً، ابتدا نامها و القاب ائمه اطهار (علیهم السلام) را به کودک یاد دهد، پس از آن بپرسد که امام اول کیست؟ نام پدر و مادرش چیست؟ و چند سال زندگی کرده است چه ویژگیهای بارزی داشته است؟

روش سؤال و جواب به صورتهای مختلف در سیره معصومان (علیهم السلام) به کار رفته و از آن استفاده شده است؛ گاه به شکل مناظرات علمی در محافل رسمی و گاه در قالب پرسش های دینی.

گفت گوهای ائمه اطهار (علیهم السلام) با علما و پیروان ادیان و مذاهب مختلف اغلب به صورت سؤال و جواب برگزار می شد. گذشته از مناظرات و مباحثات علمی ائمه اطهار (علیهم السلام) با علمای ادیان و مذاهب، در گفت گوهای عادی آنان با فرزندان شان نیز روش پرسش و پاسخ دیده می شود. ائمه اطهار (علیهم السلام) در بسیاری از موارد برای معرفی امام بعدی سؤالات علمی و دینی مردم را به او واگذار می کردند؛ چنان که امام عسکری (علیه السلام) برخی از استفتائات شیعیان را به فرزندش مهدی (علیه السلام) محوّل می کرد تا مقام و موقعیت آن حضرت نزد مردم شناخته شود.

روزی حضرت علی (علیه السلام) در ارتباط با چند موضوع سؤالاتی از فرزندانش حسن و حسین (علیهم السلام) نمود که هر یک از آنان جوابهای حکیمانه دادند. در این حال علی (علیه السلام) به حارث اعور که در مجلس حضور داشت، فرمود این سخنان حکیمانه را به فرزندانت بیاموز؛ زیرا موجب تقویت عقل و عاقبت اندیشی و رأی صائب آنان می گردد.

امروزه روان شناسان و کارشناسان امور تربیتی به استفاده از روش پرسش و پاسخ تأکید دارند؛ چون پرسش مربی از دانش آموز او را به تأمل و تفکر وا می دارد و موجب فعالیت فکری و ذهنی وی می گردد. با این روش استعدادهای درونی دانش آموز به فعلیت رسیده شکوفا می شود و در نهایت راه تعالی و تکامل به روی وی باز می گردد.

به علاوه، یادگیری از طریق پرسش و پاسخ، پایدارتر و بادوام تر است و به عمق جان فراگیر نفوذ می کند.

از این رو، شایسته است که مربیان و پدران و مادران در انتقال معارف اهل بیت (علیهم السلام) به کودکان و نوجوانان از این روش استفاده کنند.

6. آشنا سازی با داستانهای معصومان (علیهم السلام)

یکی از شیوه های مؤثر در تربیت کودک استفاده از قصه و داستان است. کودکان به داستان و قصه علاقه فراوان نشان می دهند و دلداده داستانهای جذاب و شگفت انگیز هستند.

این علاقه و رغبت کودکان زمینه اثرپذیری آنها را فراهم می سازد. از این رو، می توان در تربیت کودکان به خصوص در آشناسازی آنان با اهل بیت (علیهم السلام) از شیوه داستان گویی بهره گرفت. انتخاب داستانهای جالب از سیره اهل بیت (علیهم السلام) و ارایه آن با زبان ساده و قابل فهم به کودکان در آشنایی آنان با اهل بیت (علیهم السلام) تأثیر بسیار دارد.

قرآن کریم به نقش مثبت و سازنده داستان اشاره کرده، می فرماید: (لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب)؛ «در بیان آثار و داستانهایی از سرگذشت پیشینیان عبرتی است برای صاحبان خِرد».

در سیره معصومان (علیهم السلام) نیز داستانهای جالب و آموزنده ای وجود دارد که با ارایه آنها به کودکان ضمن دریافت محتوای داستان با اهل بیت (علیهم السلام) هم آشنا می شوند که می توان به داستان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ضمانت آهوان اشاره کرد.

اگر پدران و مادران در محیط خانه به جای انجام کارهای غیر ضروری یا تماشای فیلمهای غیر لازم فرزندان خود را با داستانهای اهل بیت (علیهم السلام) آشنا کنند، یقینا نتایج قابل توجهی در آشناسازی کودکان با معصومان (علیهم السلام) در بر خواهد داشت.

7. آشناسازی با پند و اندرزهای معصومان (علیهم السلام)

پندهای آموزنده معصومان (علیهم السلام) با جذابیت و محتوای خاص خود چنان بر روح و روان انسان تأثیر می گذارد که در سراسر زندگی از یاد نمی رود و فرد را متحول ساخته به خدا و اولیای خدا علاقه مند می سازد. در سیره معصومان (علیهم السلام) از افرادی که سر تا پا آلوده به گناه و معصیت بودند و با شنیدن کلامی از معصوم یک باره به خود آمده و به خدا و قرآن روی آوردند، فراوان می توان سراغ گرفت؛ چنین افرادی هیچ گاه یاد و خاطره آن معصوم را که کلام روح بخشش موجب بیداری آنها شده از یاد نمی برند.

کودکان به لحاظ استعداد خاص و آمادگی مطلوبی که برای پذیرش سخنان بزرگان و مطالب درسی دارند، بهتر می توانند پند و اندرزهای معصومان (علیهم السلام) را فرا گیرند و از این طریق با اهل بیت (علیهم السلام) آشنا شوند. مناسب است کلمات حکیمانه و پندآمیز معصومان (علیهم السلام) مانند کلمات قصار امام علی (علیه السلام) در زمینه های مختلف تربیتی و اخلاقی انتخاب و به کودکان ارایه شود. ضمنا خوب است توصیفی از ویژگیهای تربیتی و اخلاقی معصومان (علیهم السلام) متناسب با موضوع بیان شود تا فضای مناسب تربیتی و آموزشی برای کودکان فراهم گردد. بدین ترتیب کودکان به نحو مطلوبی با اهل بیت (علیهم السلام) آشنا شده، یاد و خاطره آنان در قلبشان نفوذ می کند و سالها باقی می ماند.

پی نوشتها:

1. بشارة المصطفی، ص 28.

2. همان، ص 285.

3. آیت الله صافی، منتخب الاثر، مؤسسه معصومه، 1419 هق، ص 97.

4. همان، ص 52.

5. همان، ص 49.

6. لوط بن فحنف عامدی، مقتل الحسین، تحقیق حسن غفاری، چاپخانه علمیه، ص 117.

7. جارالله محمود زمخشری، کشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، ج 4، ص 220.

8. همان جا.

9. همان، ص 221.

10. آیت الله ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، انجمن اولیاء و مربیان، 1376، ج 2، ص 312.

11. کودک، ج 2، ص 94.

12. سوره یوسف (12) آیه 111.

13. رک: تحف العقول، ص 247.

14. حسین مظاهری، جهاد با نفس، ج 1، انتشارات آزادی، 1363، ص 164.